

وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الْقُرْآنَ يَقُولُونَ اِنَّمَا بُعِثَ بِشَرِّ لِسَانٍ الَّذِي
يُحَدِّثُ وَالَّذِي اَلَّمَ بِحُجَّتِي وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ
۞ اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِآيَاتِ اللّٰهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللّٰهُ
وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۞ اِنَّمَا يَتَّبِعُ الْكَذِبَ الَّذِيْنَ
لَا يُؤْمِنُوْنَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَارْتَلِكْ هُوَ الْكَافِرُ ۞
مَنْ كَفَرَ بِاللّٰهِ مِنْ بَعْدِ اِيْمَانِهِ اِلَّا مَتَابُ كُفْرِهِ وَعَلَيْهِ مَطْلَبٌ
بِالْاِيْمَانِ وَلَكِنْ مِنْ شَرَحٍ بِالْكِتَابِ مَا كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ
عَظُمَ بِرَآءَةِ اللّٰهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۞ ذٰلِكَ
بِاَنَّهُمْ اسْتَحْبَرُوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلٰى الْآخِرَةِ وَاِنَّ
اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِيْنَ ۞ اُوْرثَلِكِ
الَّذِيْنَ طَمَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَسَمِعْتَهُمْ اِيْصَارُهُمْ
وَاُوْرثَلِكِ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ۞ لَاجِدَ مَا نُهَيْتُمْ
فِي الْآخِرَةِ هُمْ اِنَّمَا يَسُرُوْنَ ۞ فَاِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِيْنَ
هَاجَرُوْا مِنْ بَعْدِ مَا قُتِلْتُمْ جَاهِدُوْا وَاَوْصِيُوْا
اِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَلُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۞

يَوْمَ اُنزِلَ كُلُّ نَفْسٍ يُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ
مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ۞ وَصَرَّفَ اللّٰهُ مُثَلَاثَةً لِّمَا كَانَتْ
اٰيَةُ مَطْلَبٍ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ
بِاَنَّهُمْ كَفَرُوْا فَاذِقُوا اللّٰهَ لِيَأْسُرَ الْجُرْعَ وَالْحَرْفَ بِمَا كَانُوْا
يَسْتَعْبُدُوْنَ ۞ وَلَقَدْ جَاءَتْكُمْ رَسُوْلٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوْهُ
فَاَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظٰلِمُوْنَ ۞ فَكَلِمًا مَّا وَدَّ كُنَّا اللّٰهَ
حٰكِمًا لَّا طَيْبًا وَاَنْتُمْ كُرُوْا بِعِتَابِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ اِيْمَانًا
تَعْبُدُوْنَ ۞ اِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ اَلَيْتًا وَاَلْدَمْرَ وَاَلْحَمْرَ
الْخَبِيْرَةَ وَمَا اَهْلٌ لِّغَيْرِ اللّٰهِ فَيَنْزُطُ غَيْرَ رَاجِعٍ وَاَلْعٰدُوْ
وَاِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ رَّحِيْمٌ ۞ وَلَا تَقُوْلُوْا لِمَا نَهَيْتُمُ
اَلْكُفْرَ هٰذَا حٰلَالٌ وَهٰذَا حٰرَمٌ لِّقِنْتُمْ وَاَعَلٰى اللّٰهِ
اَلْكُفْرُ اِنَّ الَّذِيْنَ يَفْضَلُوْنَ عَلٰى اللّٰهِ اَلْكُفْرَ لَا يُفْلِحُوْنَ
۞ مَسَاعٍ قَلِيْلٍ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۞ وَعَلٰى الَّذِيْنَ
كَافَرُوْا حٰرَمٌ اَمَّا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ
وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ۞



تفکر در سوره علق
ارائه کننده: فاطمه رحیمی
برگرفته از کتاب روش های تفکر در قرآن
نویسنده: احمد رضا اخوت

مقدمه و احکام

- سوره **عَلَق** یا **اقرا** نود و ششمین سوره
- از سوره های **مکی** قرآن است که در جزء سیام جای گرفته است.
- نام سوره برگرفته از آیه دوم آن است که اشاره به خلقت انسان از **خون بسته (علق)** دارد.
- سوره علق جزو چهار سوره قرآن است که **سجده واجب** دارند و به **عزائم قرآن** معروفند.
- اگر انسان آن آیه را بخواند یا به آن گوش فرا دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند، و اگر به گوشش بخورد احتیاط واجب سجده کردن است.
- برخی از علما خواندن کل سوره و برخی فقط خواندن آیه آن را در حال حیض و جنابت حرام می دانند.

احکام

- اگر سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند.
- اگر آیه سجده را از رادیو و ضبط صوت و مانند آن بشنود، بنابر احتیاط واجب باید سجده کند.
- اگر آیه سجده را از مثل بلندگو که صدای انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند.
- گفتن ذکر در این سجده مستحب می‌باشد. لا الهَ إِلَّا اللهُ حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبُّ تَضَرُّعًا وَرَقًّا.
- اگر انسان خودش آیه سجده را بخواند و در همان حال از دیگری هم بشنود یک سجده کافی است.
- هرگاه در غیر نماز در حال سجده آیه سجده را بخواند یا به آن گوش فرا دهد، باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.
- باید پیشانی را بر چیزی بگذارد که سجده نماز بر آن جایز است بنابر احتیاط واجب، همچنین ستر عورت و غصبی نبودن را رعایت کند.
- در سجده واجب قرآن بدن و لباس طاهر لازم نیست.
- رو به قبله بودن شرط نیست و به هر سوی می‌تواند سجده کند، ولی بهتر روبه قبله بودن است.
- شخصی در مسجد مشغول خواندن نماز واجب است، در همین حین شخص دیگری مشغول خواندن آیه سجده دار از پشت بلندگو می‌شود. اگر در سجده نیست، سجده می‌کند و بنابر احتیاط نماز را اعاده می‌نماید و اگر در سجده است سجده دیگری لازم نیست.
- در جایی که امکان سجده نیست مثل پشت میز اداره آیه سجده را بعدا بخوانید و سجده آن را انجام دهید.

ثواب قرائت

• پیامبر (ص) - هر که این سوره را بخواند، خداوند همچون ثواب کسی که جزء مفصل را خوانده باشد و همانند پاداش کسی که در راه خدا شمشیر کشیده، برای او پاداش مینویسد و هر که بر دریا مسافر باشد و این سوره را بخواند، خداوند متعال او را از غرق شدن در امان میدارد.

• امام صادق (ع) - هر که در روز و یا شب خود سوره‌ی اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ را بخواند، سپس در آن روز یا در آن شب جان سپارد، شهید جان داده و خداوند او را شهید بر می انگیزد و شهید زنده اش میکند، و همانند کسی است که به همراه رسول خدا در راه خدا شمشیر زده است.

• پیامبر (ص) - هر که این سوره را بر در انباری بخواند، خداوند متعال آن انبار را از تمامی گزندها و دزدها در امان میدارد تا اینکه صاحبش آنچه را در آنجا است، خارج کند.

تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۸، ص ۲۲۰ البرهان

روایات درباره نزول سوره علق (پیش زمینه ها)

امام هادی - هنگامی که رسول خدا تجارت در راه شام را رها کرد و هر آنچه خداوند متعال از این تجارت‌ها روزی‌اش نموده بود [در راه خدا] صدقه داد، هر روز صبحگاهان به سوی [غار] حراء حرکت کرده و از کوه بالا می‌رفت.

و از بلندای قله‌های کوه در نشانه‌های رحمت خداوند و انواع شگفتی‌های رحمت و حکمت‌های حیرت‌انگیزش دقت و تدبّر می‌نمود و به اطراف آسمان و کرانه‌های زمین، دریاها، بیابان‌ها و صحراها نگاه می‌انداخت و از آن نشانه‌ها عبرت و اندرز می‌گرفت و آن‌چنان که شایسته بود خداوند را عبادت می‌کرد.

چون به چهل سالگی رسید و خداوند عزوجلّ به قلب او نظر انداخت و آن را برترین، والاترین، مطیع‌ترین، خاشع‌ترین و متواضع‌ترین قلب‌ها یافت، به درهای آسمان اجازه داد که گشوده گردند. درحالی‌که حضرت محمد به آن‌ها نگاه می‌کرد؛ و به فرشتگان رخصت فرمود تا فرود آیند...

تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۸، ص ۲۲۲ بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۳۰۷ / بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۰۵ / الإمام العسکری، ص ۱۵۶

ابن عباس (رحمة الله عليه) -

اول چیزی که با آن وحی بر رسول خدا آغاز شد، رؤیای صالحه در خواب بود و هر خوابی که ایشان می‌دید، همچون سپیده دم صبح روشن بود.

چون حضرت با حضرت خدیجه ازدواج کرد و سن ایشان چهل سال تمام شد، روزی به سوی کوه حراء بیرون رفت. در آنجا جبرئیل برای آن حضرت ندا سر داد و بر ایشان پدیدار نشد. از این رو رسول خدا از هوش رفت.

مشرکان قریش ایشان را بر دوش خود نزد خدیجه بردند و گفتند: «ای خدیجه! با مردی جن زده ازدواج کرده ای؟!»

خدیجه به سرعت از تخت پایین آمد و آن حضرت را در آغوش خود کشید و سر ایشان را بر دامن خود نهاد و چشمانشان را بوسید. و گفت: «با پیامبری مرسل ازدواج کرده ام»

چون حضرت به هوش آمد، خدیجه: «پدر و مادرم به فدایت، ای رسول خدا چه بر سرت آمد؟»

حضرت: «هرچه بود نیکی بود، اما صدایی شنیدم که مرا ترساند، گمان کنم جبرئیل بود.»

خدیجه از این خبر شادمان شد: «چون صبح فردا رسید، به همان جایگاهی که روز پیش او را در آنجا دیدی بازگرد»

حضرت فرمود: «بله، چنین می‌کنم».

ایشان خارج شد و ناگاه جبرئیل را با زیباترین چهره و خوشترین بو مشاهده کرد.

جبرئیل: «ای محمد پروردگارت تو را سلام میرساند و برایت درود و بزرگداشتی ویژه میفرستد و میفرماید: «تو فرستاده‌ی من به سوی انس و جن هستی، پس ایشان را دعوت کن تا مرا پرستند. و بگویند: هیچ خدایی جز الله نیست و محمد رسول اوست و علی ولی اوست»».

آنگاه جبرئیل بال خود بر زمین زد و از جای آن، چشمه آبی جوشید و حضرت از آن نوشید و وضو گرفت؛ سپس جبرئیل به ایشان آموخت: اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... جبرئیل به آسمان بالا رفت و رسول خدا از حراء بیرون آمد و در راه خود بر هر سنگ و تپه و درختی که می‌گذشت، همه ندا می‌دادند: «سلام بر تو ای رسول خدا»

آن حضرت نزد خدیجه که در انتظار ایشان بود، رفت و وی را از این ماجرا باخبر ساخت و او از دیدار حضرت و تندرستی و برجایی ایشان شاد شد. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۸، ص ۲۲۲ البرهان

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ

- **علامه طباطبایی** منظور از این آیات را مطلق قرائت نمی‌داند؛ بلکه به باور او، خداوند از پیامبر (ص) می‌خواهد که آیات نازل شده توسط فرشته وحی را بخواند؛
- آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» در اصل «**اقرأ القرآن باسم ربك**» بوده است.
- خداوند به پیامبر دستور داده که خداوند را با اسم رب بخواند
- خداوند خود را **رب** و **خلق کننده** وصف کرده است.
- خداوند تو، تنها کسی است که عالم را خلق کرده است.
- خداوند نه تنها خلق کرده بلکه رب نیز هست یعنی **مالکیت و تدبیر امور** به دست او است (نه اینکه ربوبیت به دست فرشتگان، جن و یا انسانها باشد)
- انسان از چیزی آفریده شده که دارای **تعلق** است و نمی‌تواند مستقل باشد.

- در قرآن، هر بار که کلمه «**علقه**» به کار رفته، بعد از کلمه «**نطفه**» بوده است.
- از این رو علقه مرحله‌ای از خلقت جنین است که پس از مرحله نطفه قرار دارد.
- ✦ برخی از محققان میان «علق» و «علقه» فرق گذاشته اند:
- «**العلق**» در لغت به معنای خون جامدی است که هنوز خشک نشده است (**خون بسته شده**)
- اما «**علقه**» به معنای کرم سرخ رنگی است که در آب زندگی می‌کند و هنگامی که چارپایان آب می‌نوشند، به گردن آنها می‌چسبد و آویزان می‌شود (**زالو**)
- نطفه نیز از آن جهت که به دیواره رحم می‌چسبد و از آن تغذیه می‌کند، شبیه زالو می‌شود.
- قرآن به جای تعبیر از مرحله دوم شکل‌گیری انسان در رحم به «**الدم المنقبضه**» = **خون بسته شده**» تعبیر به علق کرده که هم معنای خون بسته و هم آویزان بودن را برساند.

اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ
الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ
عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم

- در این سه آیه امر به قرائت را تکرار نموده تا امر اولی را تأکید کند.
- **"وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ"**: پروردگار تو کسی است که عطایش فوق عطای هر کس دیگر است،
- هر کس دیگر که عطایی میکند به استحقاق میکند ولی پروردگار بدون استحقاق عطا می کند.
- عطای دیگران هم عطای او است و بالاخره هر عطایی به او منتهی میشود.
- خداوندی که به پیامبر دستور داده تا با اسم **رب** بخواند، همان ربی که برترین بخشش ها را می کند.
- این بخشش، اقتضای پروردگاری اوست.
- پیامبر برای خواندن نیاز دارد که خداوند به او ببخشد.
- خداوند احتیاج پیامبر به علوم را دانسته و او را قادر به قرائت می کند.
- انسان از وضعیتی نامستقل و ناپایدار، به کمک علم و قلم به ثبات می رسد.
- بقا و پایداری انسان نشانه کرم الهی در حق اوست.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِيَ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى

• از آیات بر می آید که خداوند نعمتهای بزرگی نظیر **تعلیم به قلم و تعلیم از طریق وحی** را به انسان داده پس بر انسان واجب است شکر آن را به جای آورد ولی او به جای شکر، **کفران و طغیان** میکند.

• **علت** طغیانش این است که او خود را **بی نیاز** از پروردگار خود میداند (می بیند)، انسان به خود و هواهای نفسانی خود می پردازد و دل به اسباب ظاهری می بندد. در نتیجه از پروردگارش غافل میشود و خود را محتاج او نمی بیند.

• چون اگر خود را محتاج او می دید همین احتیاج وادارش میکرد که به یاد او بیفتد و شکر نعمتهایش را به جای آورد.

• نتیجه این انحراف این است که در آخر خدا را به کلی فراموش نموده، سر به طغیان بردارد.

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعِي

- کلمه "رجعی" مانند کلمه رجوع به معنای برگشتن است.
- این جمله تهدید به مرگ و بعث است.
- خداوند انسان را از طغیان کردن به جهت بی نیاز دیدن خود بازداشت
- و به او گوشزد می کند که فانی است و در نهایت به سوی خدا باز خواهد گشت.

- این شش آیه جنبه **مثل** دارد (مصادق از انسان طاغی)
- زمینه چینی برای تهدید صریح برای کسانی که از اطاعت او نهی میکنند.
- زمینه است برای امر به عبادتش.
- مرا خبر ده از آنکه نهی میکرد بنده ای را که نماز میخواند و خدا را عبادت میکرد.
- به فرضی که بنده نماز گزار نامبرده بر طریق هدایت باشد و به تقوی عمل کند او چه حالی خواهد داشت؟
- اگر نهی او تکذیب حق و اعراض از ایمان به حق باشد و با اینکه میداند خدا میبیند، آیا جز عذاب استحقاق جزایی دارد؟

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى
 عَبْدًا إِذَا صَلَّى
 أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى
 أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى
 أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى
 أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى

داستان پس زمینه

ابو جهل گفت: راستی محمد صورت خود را در حضور شما به خاک می گذارد؟
گفتند. بله.

گفت به آن کسی سوگند که باید به او سوگند خورد اگر او را بینم که چنین میکند
گردنش را لگد مال خواهم کرد.

شخصی در همان بین صدا زد این است که دارد نماز میخواند،

ابو جهل پیش رفت تا گردن رسول خدا را لگدکوب کند ... چیزی نگذشت که عقب عقب

برگشت، در حالی که دستها را پیش رویش گرفته بود (گویی از چیزی پرهیز می کرد و
بلایی را از خود دور میساخت)

مردم از او پرسیدند نو را چه میشود ای ابا الحکم؟

گفت: بین من و او خندقی از آتش است و اینها بالدارهایند.

رسول خدا فرمود: به آن خدایی که جانم به دست او است اگر به من نزدیک می شد.
ملائکه تکه تکه بدنش را میقاییدند.

• فضای جامعه ای که پیامبر دعوت به توحید را در آن آغاز میکند آنچنان پر از کینه است برای بازداشتن او از این دعوت لازم است جان پیامبر مورد **حمایت** قرار گیرد.

• **فشار مخالفان و فضای فکری فرهنگی** غالب بر جامعه ای که پیامبر در آن دعوت خود را آغاز می کند، آنقدر سنگین و شدید است که اطاعت نکردن و همراهی نکردن با آن **ظرفیت و توانی** مانند ظرفیت و توان پیامبر را می طلبد.

كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لَتَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ
نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٌ خَاطِئَةٌ

• کلمه «سفع» به معنای جذب شدید

• «ناصیه» موی جلو پیشانی

• تهدیدی بزرگ:

• مسأله آنطور نیست که او پنداشته و خواسته است و یا او نمی تواند چنین کند.

• اگر دست از این بازداری اش از نماز بر ندارد و منصرف نگشته همچنان بنده ما را از نماز

• نهی کند به طور مسلم ناصیه او را به شدت خواهیم گرفت و به **وضعی ذلت بار** او را به سوی عذاب جذب می کنیم.

• مقام پیامبر چنان بلند مرتبه و متعالی است که نهی کننده او را به حضيض ترین مراتب انسانی سقوط می دهد.

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ سَدَّعُ الزَّبَانِي

- "نادی" وقتی او را گرفتیم اهل مجلس خود (همنشینان) را به کمک بخواند.
- ما هم موکلین بر آتش را که فرشتگانی خشن و پر نیرو هستند صدا می زنیم.
- آن وقت است که نصرت هیچ ناصری سودی به حال او نخواهد داشت.

كَلَّا لَا تُطَعَّهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ

- **لا تطعه:** تو ای پیامبر او را در نهی‌ش از نماز اطاعت مکن.
- **سجده کردن (نماز پیامبر مرکب از همین سجده و تسبیح بوده است.)**
- **سجده کردن در سوره های عزائم چهارگانه**
- **اقتراب:** تقرب به خدا تعالی / نزدیک شدن به ثواب خدای تعالی

جمع بندی

- قرائتی که در سوره به آن اشاره شده، از جنس **فهم** است.
- برای اینکه قرائت در انسان به جریان بیوفتد، نیاز است به **رویت** خود توجه کند:
- یعنی دیدن انسان و آنچه که مشاهده می کند در فهم او نقش مهمی دارد.
- لذا باید تصمیم بگیرد که چه چیزهایی را ببیند و چه چیزهایی را نبیند.
- به زندگی افرادی که دارای **هم نشینان** باطل هستند توجه کند و به ملکات منفی و ناپسندشان و تبعات زندگی آنها توجه کند.
- خودش را **نیازمند** و خداوند را رب **کریم** ببیند.
- در این صورت است که **علم حقیقی** در انسان جاری می شود.
- مهم ترین علمی که به آن دست می باید این است که در می یابد خداوند:
- همه چیز را می بیند و بازگشت به سوی او است.
- برای فعال شدن **رویت و علم** ، باید از اوامر و الهی رویگردانی نکند.
- نتیجه قرائت نزدیک شدن به خداوند است.